

26 words per day

Day 11

Word	Meaning
A gency	نماینده‌گی، وکالت، خبرگزاری
B attery	باتری
C arpet	فرش، قالی، زیلو
D elicate	ظریف، حساس، لطیف، نکته سنج
E lectric	الکتریکی، برقی
F amous	بلند آوازه، مشهور، نامی، معروف
G eneration	نسل، تولید، زایش، تولید نیرو
H elp	کمک، امداد، کمک کردن
I mply	اشاره داشتن بر، مطلبی را رساندن
J oy	لذت، خوشی، سرور، لذت بردن
K itchen	آشپزخانه، محل خوراک پزی
L earn	آموختن، یاد گرفتن، آگاهی یافتن
M ap	نقشه، نگاشت، ترسیم کردن
N ews	اخبار، خبر
O ppportunity	فرصت، مجال
P ayment	پرداخت، وجه پرداختی
Q ualification	صلاحیت، شرایط، قید
R eaction	واکنش، عکس‌العمل
S cale	مقیاس، اندازه، معیار
T emporary	موقت، موقتی، زودگذر
U n lucky	بد بخت، بخت برگشته، شوم
V iew	نما، منظره، چشم انداز، دیدن
W eek	هفته، هفت روز
X	
Y ear	سال، سنه
Z	